

# ایرانشناسی در گرجستان

جمشید گیوناشویلی

سیزده میلادی به اوج قدرت سیاسی و کمال شکفتگی فرهنگ خود رسید. در همین دوره، شاهکار نظم کلاسیک گرجی، منظومه پلنگینه پوش شوتا روستاوی (Shota Rustaveli)، سروده شده است. روستاوی شاعری است که اصول فکری نهضت رنسانس را در قرن دوازدهم میلادی اعلام داشته است و از این لحاظ بشارت‌دهنده عصر رنسانس شمرده می‌شود. روستاوی به میراث ادبی رجال برجسته ادبیات فارسی، مانند فردوسی و فخرالدین گرگانی علاقه‌ای عمیق داشته و با خلاقیت و خصوصیات بینش شاعرانه نظامی گنجوی به خوبی آشنا بوده است. میراث شاعر بزرگوار گرجی نتیجه منطقی تطور ادبیات، فلسفه، فرهنگ، افکار اجتماعی و رشد جامعه گرجستان و آیین تمام نمای روح و خلیات و خصال گرجی و سند ملیت گرجیان است.<sup>۱</sup>

اوایل قرن نوزدهم مقارن است با پیشرفت مکتب رومانسیسم در ادبیات گرجی. از اواسط قرن نوزدهم، این مکتب جای خود را به رئالیسم واگذار می‌کند که از اواخر آن قرن به صورت جریان ادبی حاکم در ادبیات گرجی در می‌آید. در دوران حکومت شوروی، سیاست رسمی متوجه به هم آمیختگی اقوام گوناگون در یک مجموعه سیاسی و فرهنگی واحد بود. با آنکه طی شصت هفتاد سال اخیر به اهل قلم و روشنفکران جداً توصیه می‌شد که اصول وحدت فکر و اطاعت محض از دستگاه حاکم را رعایت کنند، بسیاری از شعرا و نویسندگان گرجی (در گرجستان و خارج از مرزهای آن)، با اتکا به سنن گرانقدر ادبیات ملی و توجه به

حاشیه:

۱) حمید زرین کوب، «داستان پلنگینه پوش»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۱۳۴۹، شماره چهارم، ص ۷۳۱-۷۲۱

گرجستان بین سلسله جبال قفقاز و بخش باختری ماورای قفقاز واقع است. طبیعت مواهب و عطایای خود را سخاوتمندانه به این سرزمین ارزانی داشته است. جمهوری گرجستان اکنون مساحتی برابر با ۷۰۰۰۰ کیلومتر مربع دارد و از مغرب به مشرق امتداد یافته است. جمعیت آن بیش از پنج میلیون است و بیش از دوسوم سکنه جمهوری گرجی و بقیه ارمنی، آذری، آسی (قومی ایرانی نژاد)، ایخازی و روس‌اند.

زبان گرجی متعلق به خانواده زبانهای کارتول (kartvel) است که در قفقاز رایج‌اند. این خانواده شامل زبان گرجی و لهجه‌های متعدد آن، زبانهای مگرل (megrel)، سوان (svan) و لاز (laz) است. زبان گرجی در بین زبانهای مذکور یگانه‌زبان باستانی دارای آثار مکتوب است. طبق قانون اساسی جمهوری، زبان گرجی زبان رسمی جمهوری گرجستان است. اقلیتهای ملی از حقوق خودمختاری فرهنگی برخوردارند.

در قرون اول تا سوم میلادی ادیان و مذاهب متعدد (بت پرستی و ادیان یهودی و زردشتی و مسیحی) در گرجستان رواج داشت؛ ولی از اوایل قرن چهارم میلادی دین رسمی سراسر گرجستان مسیحیت اعلام گردید. دین مسیحی در قرون وسطی سازنده جهان بینی گرجیان بود. اکنون بیشتر گرجیان مسیحی ارتدکس و بخشی کاتولیک هستند. بعضی از گرجیان (سکنه جمهوری خودمختار آجارستان) مسلمان سنی‌اند.

ادبیات گرجی سابقه و زمینه دیرینه‌ای داشته و از قرن پنجم میلادی نوشته‌هایی از آن در دست است. ادبیات گرجی قرون پنجم تا دهم میلادی دینی بود، از قرن یازدهم میلادی، به موازات ادبیات دینی، ادبیات عرفی، از رزمی و بزمی و تاریخی و منثور و منظوم، در آنجا راه باز کرده است. گرجستان در قرون دوازده و

نوآوریهای ادبیات جدید دیگر ملتها، توانستند آثاری به وجود آورند که مورد توجه صاحب نظران در ادبیات معاصر قرار گیرد و در خارج از مرزهای گرجستان نیز از شهرت فراوان برخوردار شوند.

روشنفکران گرجی از دیرباز با آثار ادبی و علمی عربی، فارسی، ارمنی و تألیفات بزرگان بیزانس و فلاسفه نوافلاطونی کاملاً آشنا بوده‌اند و از نتایج فعالیت ثمربخش آنان در همه شئون علم و فرهنگ استفاده می‌کردند. گرجستان، به علت موقع خاص جغرافیایی خود، در طی اعصار متمادی عرصه کشمکشها و رقابتهای دولتهای پر قدرت عصر بوده و در دل یکی از حساس‌ترین مناطق دستخوش تلاطمات گوناگون سیاسی و مذهبی و اقتصادی جای داشته است. گرجستان یکی از چند کشوری است که پیوسته در معرض دادوستد فکری و فرهنگی شرق و غرب بوده و از هر دو منبع سرشار علم و فرهنگ الهام می‌گرفته است. گرجیان، در سراسر تاریخ متمدن خود، نوجو و نوپسند بودند، ولی همواره سعی می‌کردند که پای بند به اصالت قومی خود باشند و عناصر نورا با مبادی ریشه‌دار وفق دهند و به آن پیوند زنند. آنان، بدین سان، فرهنگ مادی و معنوی ویژه گرجی را، که از خصوصیات فرهنگی ملی بهره‌مند است، به وجود آورده‌اند.<sup>۲</sup> از این رو، نوعی تداوم فرهنگی در گرجستان دیده می‌شود که تا حدی کم نظیر است.

در گذشته، هنگامی که از روابط میان ایران و گرجستان سخن می‌رفت، برخی از محققان ایرانی بیشتر از فتوحات سلاطین ایران و آثار مخرب آن یاد می‌کردند. به نظر متخصصان گرجی، این روابط را به حوزه سیاست و جنگ و پیروزی و شکست نباید محدود دانست. ایرانیان و گرجیان از قدیم با هم رفت و آمد، صلح و جنگ، و دادوستد داشتند و در شئون مختلف علم و فرهنگ، دستاوردهای این هر دو قوم از سرزمینی به سرزمین دیگر و از زبانی به زبان دیگر منتقل می‌شد. جنگهایی که به تناوب رخ می‌داد دوره‌هایی از صلح و تماسهای اثر بخش و پرمایه در پی داشت که طی آنها آسمان مناسبات از کدورت صافی و به نور محبت و دوستی روشن می‌شد.

دستاوردهای عصر هخامنشی در زمینه اقتصادی و سنن اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در امر ظهور و تکامل دولت ایبری (Iberia)، یعنی گرجستان شرقی، «حایز کمال اهمیت بود»<sup>۳</sup>. طبق اسناد و مدارک باستان‌شناسی و شواهد سنگنبشته‌ها و اسناد و مدارک مکتوب و قراین متعدد، گرجستان در سالهای پیش از اسلام و پس از اسلام (تا اواخر قرن هجدهم میلادی) روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بس نزدیکی با ایران داشت. پایتخت گرجستان، شهر تفلیس، یکی از مراکز معتبر علم و فرهنگ و

بازرگانی خاور نزدیک شناخته می‌شد. «روایتی است از حسن بن یوسف و او از خالد ابی یزید و او از ابی عبدالله علیه السلام که او فرمود که حق جل و علا از جمیع شهرها کوفه و قم و تفلیس را برگزیده است»<sup>۴</sup>. بنابر قول صاحب حدود العالم، تفلیس شهری بود بزرگ و خرم و استوار و آبادان و با نعمت بزرگ<sup>۵</sup>. درباره کالاهای ساخت گرجستان می‌توان گفت که «جامه‌های تفلیسی»<sup>۶</sup> و «قالیها، پرده‌ها و قالیچه‌های نازنین گرجی»<sup>۷</sup> یکی از کالاهای مهم بازرگانی در نقاط گوناگون ایران بوده است. به مصداق سخنان خواجه نظام الملک، گرجیان «نیک باشند»<sup>۸</sup>. بسیاری از آنان در ایران به مقامهای عالی دولتی و فرهنگی ارتقا یافته‌اند. در این باب کافی است از رجالی مانند الله‌وردیخان اوندیلادزه (Undiladze)، پسران او، امامقلی‌خان و داودخان، همچنین معتمدالدوله گرجی، والی اصفهان، خسرو میرزا مشهور به رستم‌خان، یوسف گرجی، سیاوش بیگ، اختر گرجی و دیگران نام برده شود.

دست پروردگان فرهنگ پرمایه و ادبیات توانمند گرجی از دیرباز با شاهکارهای سخنوران ایران زمین کاملاً آشنا بوده‌اند. به گفته دانشمند بزرگ و رجل برجسته اجتماعی گرجستان، آکادمیسین جاواخی شویلی (I. Javakhishvili)، «فرهنگ ایران دوره اسلامی برای گرجیان نامأنوس نبوده و آنان پیوسته برای علم و هنر ایرانی احترام فراوان قایل بوده‌اند... نظم فارسی در شعر و ادبیات گرجی تأثیر بسیار داشته و گرجیان به اندازه خود ایرانیان به شعر فارسی علاقه‌مند بوده‌اند... شعر و فرهنگ سبب ایجاد وحدت معنوی بین گرجیان و ایرانیان می‌گردید و دوستی و محبت را جانشین خصومت می‌ساخت»<sup>۹</sup>.

با وجود سنن دیرینه روابط گسترده فرهنگی دو ملت و اظهار نظرهای جسته گریخته دانشمندان گرجی قرنهای هجدهم و نوزدهم میلادی درباره ایران و روابط آن با گرجستان، ایجاد و بسط ایران‌شناسی به مفهوم علمی جدید در آن کشور از سال ۱۹۱۸ میلادی، یعنی سال تأسیس دانشگاه تفلیس، آغاز می‌گردد. سه تن پایه‌گذار و پیشاهنگ نامور و برگزیده این رشته، ای. جاواخی شویلی (در تاریخ) و گئورگی آخولیدیان (۱۹۷۳-۱۸۸۷، G. Akhvediani، در زبان‌شناسی) و یوستین آبولادزه (۱۹۶۲-۱۸۷۴، Y. Abuladze، در ادبیات‌شناسی) از رفتگانی‌اند که گامهای مؤثری در ترویج علم و فرهنگ گرجی و استقرار ایران‌شناسی در گرجستان برداشته‌اند. اولیای امور فرهنگی و مؤسسان دانشگاه تفلیس برای بسط و توسعه خاورشناسی، منجمله ایران‌شناسی، در گرجستان اهمیت زیادی قایل بوده‌اند و همیشه در نظر داشتند که استفاده از منابع و مآخذ فراوان ادبی و تاریخی ملل شرق، مخصوصاً تألیفات بزرگان ایران

(M. Todua).

۳) بخش زبانهای هند و ایرانی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان (رئیس خانم ته‌نو چخه‌نیدزه / Theo Chkheidze).

۴) کرسی السنه شرقی دانشگاه دولتی شهر کوتائیس (رئیس گورام چیکوانی / G. Chikovani).

۵) انستیتوی تدریسی آسیا و افریقای تفلیس (رئیس گورام چیکوانی).

۶) کرسی تاریخ کشورهای شرق دانشگاه دولتی تفلیس (رئیس داوید کاتسی تادزه / D. Katsitadze).

۷) کرسی تاریخ ممالک آسیا و افریقای دانشگاه دولتی تفلیس (رئیس آلبرت منته شاشویلی / A. Menthashvili).

۸) بخش تاریخ قرون وسطی ممالک خاور نزدیک انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان (رئیس میخائیل سوانیدزه / M. Svanidze).

۹) بخش تاریخ معاصر ممالک خاور نزدیک انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان (رئیس گنورگی چیپاشویلی / G. Chipashvili).

۱۰) بخش مآخذشناسی و نشر منابع تاریخی انستیتوی تاریخ و مردمشناسی فرهنگستان علوم گرجستان (رئیس خانم گیولی آلسانیا / G. Alasania).

بعضی از کارمندان علمی انستیتوی نسخ خطی فرهنگستان علوم، انستیتوی تاریخ ادبیات گرجی فرهنگستان علوم، موزه تاریخ گرجستان فرهنگستان علوم، دانشکده جغرافیای دانشگاه تفلیس و مرکز اطلاعات علمی در رشته‌های علوم انسانی فرهنگستان علوم جمهوری نیز در رشته‌های گوناگون ایران‌شناسی به تحقیقات مفیدی مشغول‌اند.

حاشیه:

۱) بسنجید با:

«The 'Knight in Tiger's skin' is a Georgian work, which looks both to the East and West yet keeps its national character» (C.M. Bowra. *Inspiration and Poetry*, London, 1955, p. 57).

۳) گ. تسرتلی، «دولت هخامنشی و تمدن جهانی»، آینده، سال دوازدهم، شماره ۸-۷، ۱۳۶۵، ص ۳۷۰.

۴) تاریخ قم، طهران، ۱۳۱۳، ص ۹۷.

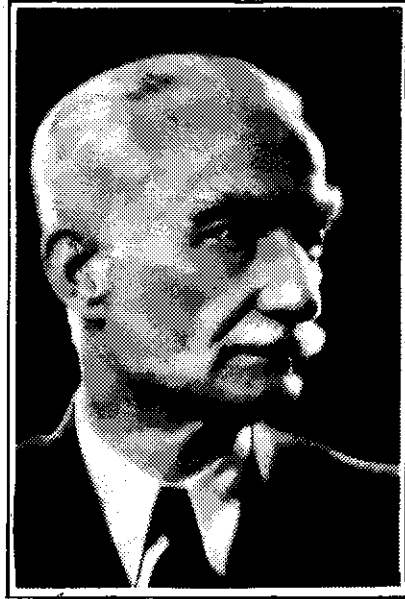
۵) منتخبات متون تاریخی فارسی، تدوین کنندگان جمشید گیونا شویلی و داوید کاتسی تادزه، تفلیس، ۱۹۷۲.

۶) تاریخ طبرستان، تألیف بهاء‌الدین محمد بن یوسف بن اسفندیار کاتب، تهران، ۱۳۲۰، بخش سوم، ص ۱۳۶.

۷) مناقب العارفین، تألیف شمس‌الدین احمد الافلاکی، ج ۲، آنقره، ۱۹۶۱، ص ۷۲۷.

۸) منتخبات متون تاریخی فارسی، ص ۹۲.

۹) ای. جاواخی شویلی، تاریخ ملت گرجستان (به زبان گرجی)، ج ۲، تفلیس، ۱۹۴۸، ص ۳۰۶.



ای. جاواخی شویلی

و نقد دقیق اطلاعات مندرج در آنها، برای بررسی گوشه‌های بسیاری از تاریخ حیات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دوران فتودالیسم و روشن گردانیدن مسائل مربوط به شئون متعدد زبان و ادبیات گرجی، بسیار مؤثر و کاملاً ضروری است.

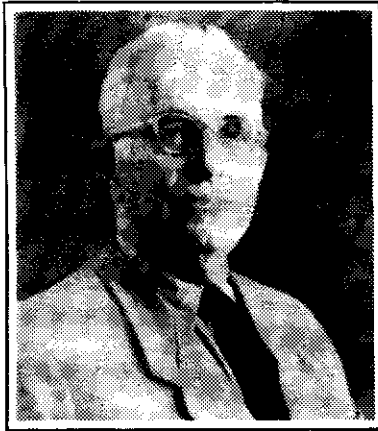
از روزهای اول تأسیس دانشگاه تفلیس، اقدامات و فعالیتهای مفیدی در تدریس و تعلیم زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران و تحقیق در این حوزه‌ها انجام می‌گرفت. به ویژه پس از تأسیس کرسی فیلولوژی ایرانی در سال ۱۹۳۹ میلادی و دانشکده خاورشناسی دانشگاه در سال ۱۹۴۵ و انستیتوی تحقیقاتی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان در سال ۱۹۶۰، مطالعات در این زمینه رونق روزافزون یافت. باید متذکر شد که انستیتوی خاورشناسی، به ریاست مؤسس آن، خاورشناس مشهور و عضو انجمن سلطنتی آسیائی (انگلستان) آکادمیسین گنورگی تسرتلی (۱۹۷۳-۱۹۰۴ G. Tsereteli)، به صورت مؤسسه‌ای علمی برخوردار از اعتبار جهانی درآمد.

در یرتو حسن نیت اولیای امور دانشگاه و فرهنگستان علوم، کوششهایی در راه بهبود و ترویج ایران‌شناسی و تدوین و نشر کتب درسی و تحقیقاتی انجام گرفت که مورد توجه و اعتنای متخصصان واقع شد.

اکنون مراکز فعال ایران‌شناسی جمهوری گرجستان عبارتند از:

۱) کرسی فیلولوژی ایرانی دانشگاه دولتی تفلیس (رئیس الکساندر گواخاریا / A. Gvakharia).

۲) بخش فیلولوژی فارسی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان (رئیس ماگالی تودوا



گ. آخوندیانی

تدوین کتب درسی

چنانکه گفته شد، زبان فارسی و فرهنگ ایرانیان همواره مقبول طبع و ذوق گرجیان بوده است. خودآموزها، کتب قرائت فارسی و فرهنگهایی که در قرنهای هفدهم و هجدهم میلادی در گرجستان تدوین شده است نمودار آشنایی جامع محافل گوناگون گرجی با زبان فارسی است.

مؤسساتی که اکنون در آنها زبان فارسی و دیگر مواد درسی ایرانشناسی تدریس می شود به این شرح است:

- چند مدرسه متوسطه شهر تفلیس از کلاس دوم الی یازدهم؛
- دانشگاه دولتی تفلیس (دانشکده خاورشناسی، دانشکده تاریخ، دانشکده فیلولوژی، دانشکده جغرافیا)؛

○ انستیتوی آسیا و آفریقای تفلیس؛

○ دانشگاه دولتی شهر کوتائسی (دانشکده فیلولوژی).

ایرانشناسان گرجی، با وجود اشکالات فنی و مالی فراوان، همواره سعی می کردند که به تدوین و تألیف کتب درسی توجه شایسته مبذول دارند. اینک فهرست این تألیفات را از نظر خوانندگان گرامی ایرانی می گذرانم:

○ یو. آبولادزه، دستور زبان فارسی (برای دانشجویان دانشکده خاورشناسی)، تفلیس، ۱۹۵۳؛

○ ج. گیوناشویلی، دستور زبان فارسی، تفلیس، ۱۹۸۷؛

○ ولادیمیر پوتوریدزه (V. Puturidze)، منتخبات فارسی،

تفلیس، ۱۹۴۶؛

○ بانولیا توشی شویلی (L. Thushishvili)، منتخبات فارسی،

تفلیس، ۱۹۷۰.

○ داوید کوبیدزه (D. Kobidze)، منتخبات فارسی (ادبیات

کلاسیک)، ج ۱، تفلیس، ۱۹۶۳، چاپ دوم، ۱۹۸۱؛ منتخبات

فارسی (ادبیات معاصر)، تفلیس، ۱۹۶۷؛ ادبیات فارسی، ج ۱،

تفلیس، ۱۹۴۶؛ ادبیات فارسی، ج ۲، تفلیس، ۱۹۴۷؛ تاریخ

ادبیات فارسی، تفلیس، ۱۹۷۵؛

○ مجموعه تحقیقات درباره تاریخ خاور نزدیک با اشتراك

زیر نظر والرین گاباشویلی (V. Gabashvili)، تفلیس، ۱۹۵۷؛

○ و. دونادزه (V. Donadze)، آ. منته شاشویلی، ت. تسین

تساده (T. Tsintsadze)، تاریخ نوین ممالک آسیا و آفریقا، ج ۲

(۱۹۴۵-۱۹۶۸)، تفلیس، ۱۹۷۰ (درباره افغانستان ص ۳ تا ۲۲؛

درباره ایران ص ۲۲ تا ۴۹)؛

○ ج. گیوناشویلی، د. کاتسی تادزه، منتخبات متون تاریخی

فارسی (قرنهای دهم تا هجدهم میلادی)، تفلیس، ۱۹۷۳؛ قرائت

فارسی، تفلیس، ۱۹۸۰؛

○ م. فاطمی، بانو ای. کالادزه (I. Kaladze)، فارسی حرف

بزنیم، تفلیس، ۱۹۷۶؛

○ ی. کالینین (E. Kalinin)، بانو تس. کویریکا شویلی (Ts. Kvirikashvili)، کتاب قرائت متون مطبوعاتی ایران، تفلیس، ۱۹۷۴؛

○ بانو ن. رامی شویلی (N. Ramishvili)، بانو م. میکاشاویدزه (M. Mikhashavidze)، زبان فارسی برای سال دوم دبستان، تفلیس، ۱۹۸۳؛

○ ج. گیوناشویلی، بانو ل. زورژولیانی (L. Zhorzholiani)، زبان فارسی برای سال سوم دبستان، تفلیس، ۱۹۸۶.

زبانشناسی

آغازگر تحقیقات علمی در زمینه زبانهای هند و ایرانی پایه گذار زبانشناسی ایرانی در گرجستان زبانشناس مشهور و متخصص در رشته آواشناسی و اوستا و زبان آسی، آکادمیسین گ. آخوندیانی است که نسلی از محققان برجسته را در شتون مختلف زبانشناسی ایرانی تربیت کرده است. مطالعه دریاب دستگاه آوایی و دستوری زبانهای ایرانی، مسائل مربوط به اشتقاق و ترکیب لهجه شناسی کمابیش بر پایه زبانشناسی تطبیقی و با برخورد محققانه با زبانهای سنسکریت و فارسی باستان و فارسی میانه پیشرفته و در بسیاری از موارد با مسائل زبان و فرهنگ گرجی درهم تنیده شده است.

تحقیقات پی گیر رئیس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری، آکادمیسین تاماز گامقرلیدزه (Th. Gamkrelidze)، در مسئله مشابهتهای زبانهای هند و اروپایی، اصل و منشأ و موطن تاریخی اقوام آریایی و مسیر حرکت و مهاجرت آنها، همراه با تسلط بر منابع گسترده و وسعت میدان پژوهش، این امکان را به محقق گرجی داده است که با اشتراك مساعی دانشمند مشهور روسی، و. ایوانف (V. Ivanov)، اثری جامع و مفصل با عنوان زبان هند و اروپایی و هند و اروپاییان را در دو جلد در سال ۱۹۸۴ در تفلیس به چاپ برساند. در این اثر علمی



○ بانو پ. آنتادزه (P. Antadze)، توصیف واژه‌شناختی  
عناوین فارسی پوشاک و قماش (۱۹۸۹)؛

○ بانو م. کواچادزه (M. Kvachadze)، مختصات لهجه  
لاهیجی‌های ساکن ده گومبوری (۱۹۹۰)؛

○ بانو ک. گادلیا (K. Gadilia)، ورود لغات و اصطلاحات  
بین‌المللی به زبان دری معاصر (۱۹۸۷)؛

○ بانو ا. چوبین‌نیدزه (E. Chubinidze)، تطور واژه‌شناسی در  
ایران معاصر (۱۹۹۰)؛

○ بانو ت. پاشالی‌شویلی (T. Pashalishvili)، نام رنگها در  
زبان فارسی (۱۹۹۱)؛

○ بانو م. کیکنادزه (M. Kiknadze)، اهمیت تحقیق لغات و  
اصطلاحات در کار تفسیر مآخذ کتبی (۱۹۹۰)؛

○ بانو ک. کی‌کویدزه (K. Kikvidze)، واژه‌های مربوط به  
قرابت و خویشاوندی در زبان فارسی (۱۹۹۱)؛

○ بانو ا. گیوناشویلی (H. Giunashvili)، صیغه‌های افعال  
کتیبه‌های اشکانی و ساسانی (۱۹۹۳).

یکی از مطالب مهم مورد تحقیق ایرانشناسان گرجی بررسی  
واژه‌های مأخوذ از فارسی باستان، فارسی میانه، دری و آسی  
(آلانی) در زبان گرجی است. زبان گرجی، در عین حفظ بنیه  
دستوری و بیانی خاص خود، برای افزایش ذخیره واژه‌ها و  
اصطلاحات، از اقتباس و استعمال الفاظ عاریتی مأخوذ از  
زبانهای همسایگان خودداری ننموده است. چنانکه ذکر شد،  
گرجیان در طی قرون متمادی روابط بسیار نزدیک سیاسی و  
اقتصادی و فرهنگی با اقوام ایرانی نژاد داشته‌اند و در نتیجه این  
تماسها، طی ادوار، بسیاری از واژه‌ها از راه ادبیات و محاوره به  
زبان گرجی راه یافته و متداول گشته است. در بعضی موارد، لغات  
مأخوذ چنان داخل بافت زبان وام‌گیرنده شده و جزء لاینفک  
واژگان گرجی گردیده که فقط با موشکافیهای ظریف زبانشناس  
دقیق می‌توان به ایرانی بودن آنها پی برد. تحقیق در این مباحث به  
حس کنجکاوای ذاتی، آشنایی کافی یا متون تاریخی و ادبی  
گرجی، تبحر در زبانها و لهجه‌های متعدد ایرانی، اطلاع عمیق از  
سازمان اجتماعی و مذهبی و فرهنگی ایرانیان و گرجیان در ادوار  
گونگون نیاز دارد. طی دهه‌های اخیر، تحقیقات کافی و  
شایسته‌ای برای شناسایی واژه‌های مأخوذ به عمل آمده است که  
شرح تفصیلی آن در حوصله این مقاله نیست. در اینجا تنها به ذکر  
خدمات سه پژوهشگر اکتفا می‌کنیم. اثر اساسی بانو  
مزیا آندرونیکاشویلی (M. Andronikashvili) که شهرت  
فوق‌العاده‌ای یافته کتابی است با عنوان رساله درباره روابط  
زبانهای ایرانی و گرجی (۱۹۶۶). در این کار علمی پراچ  
کلمات مأخوذ از فارسی باستان و زبانها و لهجه‌های فارسی میانه و

گراقدر نومیه بسیاری از مسائل زبانشناسی ایرانی مطرح  
گردیده است و به نظر نگارنده کتابخانه‌های معتبر ایران از این  
کتاب بی‌نیاز نیستند.

ش. گاپرینداشویلی (Sh. Gaprindashvili) و ج. گیوناشویلی  
در *رنواج شناسی زبان فارسی* (۱۹۶۴) اصوات فارسی را با اشعه  
مجهول، لرزه‌نگار و تجزیه طیفی مورد مطالعه قرار دادند. ضمناً  
تعبیر واج‌شناختی این اصوات، که با استفاده از ماشینهای  
حساب سریع‌العمل صورت گرفته است، در اثر علمی ج. گیونا-  
شویلی به نام *دستگاه واجی زبان فارسی* (۱۹۶۵) درج گردید.  
بانو ت. چخه‌نیدزه و بانو ت. چاواچادزه (T. Chavchavadze) یک  
سلسله آثار علمی خود را درباره واژه‌های مرکب- از جمله  
واژه‌های مرکب فارسی (۱۹۶۹) و اسامی مرکب فارسی  
(۱۹۸۲) - منتشر ساخته‌اند. مقاله‌های ناخوتسری شویلی (G.  
Nakhutsrishvili) نیز در این زمینه درخور توجه است. فعالیت  
علمی چندین ساله گ. آخولدیانی در مطالعات راجع به مسائل  
آواشناسی، دستوری، لغات و لهجه‌شناسی زبان آسی در منتخبات  
کارهای علمی درباره زبان آسی (۱۹۶۰) فراهم آمده است. بانو  
ش. کوته‌تی شویلی (Sh. Kotetishvili) در سال ۱۹۸۷ رساله‌ای با  
عنوان *ساختار آوایی واژه‌های یک هجایی زبان کردی (لهجه  
کرمانجی)* منتشر کرد. از بانو ل. توشی شویلی درباره لهجه‌های  
زبان فارسی چندین اثر انتشار یافته است. همچنین یک سلسله  
مقالات ارزنده درباره مختصات دستوری، لغوی و صرفی زبان و  
گفتار ایرانیان گرجی تبار، به کوشش متخصصان زبان گرجی،  
تداور تورگائیدزه (Th. Uturgaidze)، بانو دارجان چخوبیانی-  
شویلی (D. Chkhubianashvili) و ایرانشناس ج. گیوناشویلی، در  
گرجستان و خارج از مرزهای آن منتشر گردیده است.

بانو مایاساخوکیا (M. Sakhokia) تحقیقات جالب خود را به  
مسائل تحلیل تطبیقی و تیپولوژیک داده‌های زبانهای فارسی  
باستان، ارمنی و گرجی باستانی اختصاص داده است.  
یک سلسله رساله درباره مسائل دستوری و لغت‌شناسی زبان  
فارسی نیز به شرح زیر ارائه شده است:

○ بانو م. نوتسوبیدزه (M. Nutsbidze)، لغت‌شناسی اشعار  
رودکی (۱۹۷۵)؛

○ بانو ای. سولاکادزه (I. Sulakadze)، لغت‌شناسی اشعار  
دقیقی (۱۹۷۵)؛

○ بانو م. چیکوباوا (M. Chikobava)، واژه‌ها و اصطلاحات  
سنگهای قیمتی در زبان فارسی، براساس رساله عبدالقاسم  
عبدالله کاشانی (۱۹۸۶)؛

○ ن. ناخوتسری شویلی (N. Nakhutsrishvili)، پیشوندهای  
افعال فارسی (۱۹۸۷)؛



د. کوبیدزه



گ. تسرتلی



یو. آبولادزه

آسی (آلانی) بررسی شده است. در رساله درباره اسامی خاص ایرانی (۱۹۸۴) اثر بانو ت. چخه‌تیدزه، درباره اسامی خاص پیش از اسلام به طور کلی و اسامی عاریتی فارسی در گرجی مطالعه دقیقی شده است. تحقیقات مفید بانو الگا تیدیوا (O. Tedeeva) به بررسی روابط متقابل دو زبان گرجی و آسی اختصاص دارد. در این باب کتابهای زیر را نیز می‌توان نام برد: واژه‌های گرجی گیاه‌شناسی در زبان آسی (۱۹۷۵)، رساله درباره واژه‌های گرجی در آسی (۱۹۸۳)، رساله درباره واژه‌های آسی در گرجی (۱۹۸۸).

#### ادبیات‌شناسی

یکی از مهمترین و دل‌انگیزترین مباحثی که همواره مورد توجه خاص ایران‌شناسان گرجی بوده تحقیقات در زمینه ادبیات فارسی و روابط ادبی ایران با گرجستان است. چنانکه گفته شد، شاهکارهای متقدم ادب فارسی به زبان گرجی ترجمه شده و مقایسه روایات گرجی با متون فارسی و تعیین مختصات سبکی ترجمه‌های گرجی و اهمیت آنها برای بررسی اصل متون فارسی توجه دانشمندان را به خود جلب می‌کند.

اثر جاویدان فردوسی و نوشته‌های مقلدان و اقتباس‌کنندگان در طی قرنهای نهم تا دوازدهم هجری به قلم چند تن به نظم و نثر گرجی در آمده است. «از جمله کتابهای فارسی که به زبان گرجی ترجمه‌های بسیار دارد شاهنامه فردوسی است که بی‌اغراق توان گفت که در گرجستان «یکی از معروفترین کتابهاست»<sup>۱۰</sup>. اولین کسی که با دید علمی متوجه روایات گرجی شاهنامه فردوسی شد آکادمیسین نیکلامار (N. Marr) بود که در سال ۱۸۹۱ میلادی مقاله ابتکاری و راهگشایی در این باب منتشر ساخت. خط مشی این دانشمند را یو. آبولادزه، ک. که‌لیدزه (K. Kekelidze)، شانیدزه (A. Shanidze)، ا. بارامیدزه

(A. Baramidze)، د. کوبیدزه و دیگران با دقت و ژرف بینی کامل پی گرفتند. یو. آبولادزه این گونه تحقیقات رارکنی مهم ورشته‌ای از ایران‌شناسی گرجی تلقی می‌کرد. جلد اول روایات گرجی شاهنامه با حواشی و تحقیقات در سال ۱۹۱۶، به اهتمام یو. آبولادزه به چاپ رسید. جلد دوم این روایات زیر نظر یو. آبولادزه، ا. بارامیدزه، ک. که‌لیدزه، پ. اینگوروقوا و آ. شانیدزه در سال ۱۹۳۴، به مناسبت جشن هزاره فردوسی منتشر شد. جلد سوم روایات گرجی شاهنامه را د. کوبیدزه در سال ۱۹۷۴ به چاپ رسانید<sup>۱۱</sup>. تحقیقات پی‌گیر و ثمربخش د. کوبیدزه درباره شاهنامه و روایات گرجی آن در کتاب روایات گرجی شاهنامه و مآخذ فارسی آنها (۱۹۵۹) منعکس شده است. دو کتاب دیگر نیز که درباره فردوسی به چاپ رسیده است می‌توان نام برد: فردوسی و شاهنامه او (۱۹۳۴) اثر ا. بارامیدزه و فردوسی (۱۹۶۳) اثر ا. گواخاریا<sup>۱۲</sup>. بانول. ژرژلیانی در سال ۱۹۷۸ رساله روایات فارسی و گرجی داستان ضحاک را ارائه کرده و در این اواخر تحقیقات خود را بر روی مسائل تحلیل «زمان و مکان بدیع» در شاهنامه متمرکز ساخته است.

در کار تحقیق مثنوی معروف فخرالدین گرجانی، ویس و رامین، و ترجمه مثنوی گرجی آن با عنوان ویس رامیانی (Visramiani)، که در قرن ۱۲ میلادی انجام گرفته و به یک یا دو پشت به دستنویس خود فخرالدین گرجانی یا متن اساس معتبر دیگری برمی‌گردد و برای تصحیح متن فارسی اثر موثقت‌ترین منبع است، موفقیت بزرگی نصیب ایران‌شناسان گرجی گردیده است. بسیاری از پژوهشگران گرجی، مثلاً یو. آبولادزه، ا. بارامیدزه، د. کوبیدزه و دیگران در این زمینه تحقیقات دامنه‌داری کرده‌اند، ولی مافقط به ذکر یک کتاب اکتفا می‌کنیم و آن اثر مایا ماماتسا شویلی (M. Mamatsashvili) به نام ویس و رامین گرجانی و ویس رامیانی گرجی (۱۹۷۷) است. متن ترجمه گرجی این مثنوی اول بار در

سال ۱۸۸۴ میلادی منتشر شد و متن انتقادی خود اثر در سال ۱۹۶۲ به اهتمام ا. گواخاریا و م. تودوآ به چاپ رسید<sup>۱۳</sup>. پس از دو سال، متن ویس رامیانی (بدون حواشی و زیرنویسهای علمی) در بیست و پنج هزار نسخه در دسترس خوانندگان قرار گرفت. بررسی متن ترجمه گرجی و نسخ خطی فارسی این متنی، در تدوین متن تازه ویس و رامین زمینه مساعدی برای ا. گواخاریا و م. تودوآ فراهم ساخت. نتیجه فعالیت آنان در این جهت در چاپ ۱۹۷۰ که «بنیاد فرهنگ ایران» منتشر کرده منعکس گردیده است.

کلیله و دمنه و اعظ کاشفی در طی قرنهای شانزده تا هجده میلادی (ده تا دوازده هجری) چندین بار ترجمه شد. این روایات در کارهای علمی زیر تحلیل شده است: ا. بارامیدزه، روایات گرجی کلیله و دمنه (۱۹۴۵)؛ م. تودوآ، کلیله و دمنه، روایت ساپا-اوربلیانی (۱۹۶۷)؛ بانو ن. چخه‌نیدزه (N. Chkheidze)، روایت گرجی کلیله و دمنه (۱۹۸۶). خود متن روایات گرجی کلیله و دمنه آخرین بار در سال ۱۹۷۵ به همت م. تودوآ در بیست هزار نسخه منتشر گردید.

عرصه موضوعات گوناگون ادبیات کلاسیک فارسی و روایات ادبی ایرانی-گرجی بسیار گسترده است و ما، در این مقام، فقط به ذکر بعضی از کتابها و رسائیل اکتفا می‌کنیم:

- بانو ای. آساتیانی (I. Asatiani)، بهرام گوریانی نودار تسی تسی شویلی و مآخذ شرقی آن (۱۹۹۰)؛
- بانو م. آلكسیدزه (M. Aleksidze)، مفهوم بدیع اسامی خاص غزلیات حافظ (۱۹۸۷)؛
- ق. پاگاو (K. Paghava)، نظامی (۱۹۶۴)؛
- ا. جاویدزه (E. Javelidze)، جلال‌الدین رومی (۱۹۷۹)؛
- بانو ای. کالادزه، میراث حماسی عنصری (۱۹۸۳)؛
- د. کوبیدزه، عبدالرحمن جامی (۱۹۶۶)؛
- و. کوته‌تی شویلی (V. Kotetishvili)، ترکیب قافیۀ فارسی (۱۹۸۶)؛

- ا. گواخاریا، مآخذ فارسی روایات گرجی یوسف و زلیخا (۱۹۶۰)؛ روایات فارسی بالاواریانی (۱۹۸۵)؛
- بانو ن. گیگاشویلی (N. Gigashvili)، خسرو و شیرین دهلوی (۱۹۷۹)؛

- گ. ماگولاریا (G. Maghularia)، عمر خیام (۱۹۷۷)؛
- بانو م. ماماتسا شویلی، مآخذ فارسی لیلی و مجنون تیموراز اول (۱۹۶۷)؛

- رودکی (مجموعه مقالات، زیر نظر د. کوبیدزه) (۱۹۵۷)؛
- جامی (مجموعه مقالات، زیر نظر د. کوبیدزه) (۱۹۶۴)؛
- در کتابهای ذیل نتیجه تبعات گسترده ایرانشناسان گرجی در

زمینه روابط ادبی و مدنی فارسی-گرجی ارزیابی شده است:  
○ د. کوبیدزه، روابط ادبی گرجی-فارسی، در سه جلد (۱۹۸۱-۱۹۶۶)؛

○ م. تودوآ، مطالعات گرجی-فارسی، در سه جلد (۱۹۷۹-۱۹۷۱)؛

○ ا. گواخاریا، اهمیت ترجمه‌های گرجی آثار فارسی برای تحلیل بعضی از مسائل ادبیات فارسی (۱۹۶۰).

برای اینکه خوانندگان گرامی ایرانی بهتر بتوانند دربارهٔ علاقه مفراط کتابخوانهای گرجی به ادبیات متقدم فارسی تصور درستی پیدا کنند، به ارائه يك مثال اکتفا می‌شود. در سال ۱۹۷۷، کتابی به نام شعر ایرانی در پنجاه هزار نسخه به چاپ رسید. این کتاب حاوی ترجمه گانه‌های اوستا، یادگار زریر، بعضی از اشعار رودکی، شهید بلخی، کسائی، دقیقی، فردوسی (ترجمه‌های جدید)، ابوسعید، ابن سینا، ناصر خسرو، عمر خیام، سنائی، سیدحسن غزنوی، انوری، جلال‌الدین رومی، سعدی، عبید زاکانی، کمال خجندی، حافظ و عبدالرحمن جامی است. این کتاب به محض انتشار نایاب گردید.

در ایرانشناسی گرجی محفل کوچک ولی منسجمی از محققان، که علاقه مفراطی به تحقیق و مطالعه دربارهٔ فلکلور و ادبیات عامیانه دارند تشکیل شده است که در اینجا به ذکر بعضی از تبعات ایشان اکتفا می‌شود:

- بانو د. آمیادزه (D. Omiadze)، سیمای زنان افسانه‌های ملی فارسی (۱۹۸۵)؛ تحلیل تیپولوژیک افسانه‌های سحرآمیز (براساس یکی از موضوعهای افسانه‌های فارسی و گرجی) (۱۹۹۱)؛

○ بانو ل. کوتاشویلی (L. Kotashvili)، افسانه‌های قرن ۱۷ از مجموعه برناردو (۱۹۸۰)؛

○ ا. گواخاریا، دربارهٔ روایات فارسی و گرجی بهرام و گلندام (۱۹۶۷)؛ روایات گرجی داستانهای عامیانه فارسی (۱۹۶۸)؛ اهمیت بین‌المللی داستانهای عامیانه فارسی (۱۹۷۲)؛

○ بانو تس. خدلا شویلی (Ts. Khelashvili)، سیمای عیار در داستانهای عامیانه فارسی و گرجی (۱۹۸۷).

حاشیه:

- ۱۰ مجله مهر، سال دوم، ص ۷۴۷.
- ۱۱ «روایات گرجی شاهنامه (جلد سوم)»، آینده، سال ششم، شماره‌های ۹-۱۲، ۱۳۵۹، ص ۸۶۵-۸۶۲.
- ۱۲ رك. تقریظ ر. کیکنادزه در پیام‌نویس، دوره ششم، شماره ۱۰، ۱۳۴۳، ص ۲۴-۲۸.

13) M. Mamatsashvili, J. Giunashvili: «On the centenary of the first Edition of Visramiani», *Georgica*, I, Roma, 1985, p. 119-125.

برای ارزیابی صحیح علاقه گرجیان به افسانه‌ها و ادبیات عامیانه فارسی کافی است متذکر شویم که در طی سی و پنج سال اخیر ترجمه گرجی خاله‌سوسکه مجموعاً در بیش از ۱۲۰۰۰۰ نسخه منتشر گردیده است.

ایرانشناسان گرجی در زمینه مسائل ادبیات معاصر فارسی نیز برنامه تحقیقاتی مرتبی را اجرا کرده‌اند که در این زمینه از چند کتاب یاد می‌کنیم:

○ بانو م. ایوانی‌شویلی (M. Ivanishvili)، رمان تاریخی شمس و تغرای خسروی (۱۹۷۹):

○ ت. که‌شلوا (T. Keshelava)، نثر بدیع صادق هدایت (۱۹۵۸): مجموعه مقالات درباره ادبیات معاصر فارسی (۱۹۸۲):

○ بانو ل. گیوناشویلی (L. Giunashvili)، خلافت سعید نفیسی (۱۹۷۶): مسئله روستائیان در نثر معاصر فارسی (۱۹۷۷): مسائل استقرار و تطور مکتب رئالیسم در نثر معاصر فارسی (۱۹۸۵).

بخش اعظم ترجمه‌های گرجی ادبیات معاصر فارسی کار آن عده از ایرانشناسان گرجی است که در زمینه ادبیات فارسی فعالیت می‌کنند و ایشان این امر خطیر را یکی از وظایف مهم خود می‌دانند. امروز خوانندگان گرجی می‌توانند به زبان مادری خود با آثار بسیاری از نویسندگان و شعرای معاصر ایران، از جمله با نوشته‌های جلال آل‌احمد، کمال اجتماعی، محمدعلی افراشته، فریدون بدره‌ای، به آذین، رسول پرویزی، شین. پرتو، فریدون تنکابنی، فریدون توللی، جمالزاده، صادق چوبک، ابوالقاسم حالت، م. دیده‌ور، موحد دیلمقانی، غلامحسین ساعدی، مهدی سهیلی، خسروشاهانی، بزرگ علوی، مشفق کاظمی، جمال میرصادقی، عبدالحسین نوشین، صادق هدایت و بسیاری دیگر، آشنا گردند.

## تاریخ

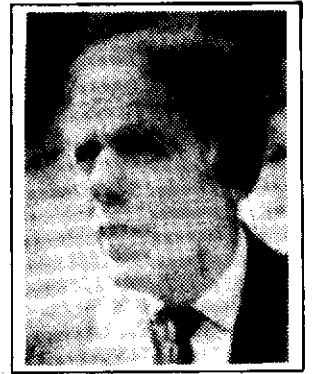
با وجود پرسابقه بودن تاریخ و فرهنگ گرجستان، اسناد و مآخذ گرجی که بتوانند تصویر کامل و فراگیری در برابر چشم ما بکشایند کم و ناچیز است. برای پرساختن این کمبودها، پژوهشگران گرجی، طی مطالعه و تحقیق در تاریخ گرجستان و روابط آن کشور با همسایگان نزدیک و دور، همواره، به موازات منابع گرجی، از مآخذ بسیاری منجمله تألیفات مورخان و جغرافیادانان فارسی زبان استفاده‌های بسیاری کرده‌اند. در نتیجه مقایسه اطلاعات مستخرج از آثار بزرگان ایران با منابع گرجی و دیگر منابع، بسیاری از مسائل مربوط به حیات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دوران فنودالیسم گرجستان بررسی و روشن

گردیده است.

مؤسس دانشگاه تفلیس و پایه‌گذار مکتب جدید تاریخ‌شناسی گرجی، آکادمیسین ای. جاواخی‌شویلی، به موازات منابع گرجی، بر مآخذ ارمنی و فارسی و عربی و ترکی کاملاً محیط بود. در حقیقت، او اولین دانشمند عصر جدید است که اطلاعات مندرج در تألیفات وقایع‌نگاران ایرانی درباره گرجستان را به محک نقد زده و از آنها بهره‌های فراوان برده است. ای. جاواخی‌شویلی گام‌های بلندی برای تربیت نسل جوان دانشمندان گرجی در رشته‌های مختلف تاریخ برداشته است. شاگرد با استعداد او و مؤسس کرسی تاریخ کشورهای شرق دانشگاه تفلیس (۱۹۵۰) و شعبه تاریخ قرون وسطای خاور نزدیک انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان (۱۹۶۰)، استاد والرین گاباشویلی (V. Gabashvili)، در واقع پایه‌گذار مکتب تاریخ‌شناسی دوران فنودالیسم در خاورشناسی گرجی به شمار می‌رود. در حال حاضر نمایندگان سنت مطالعاتی در رشته تاریخ ممالک خاور نزدیک و روابط گرجستان با کشورهای این ناحیه بیشتر شاگردان و. گاباشویلی‌اند. پس از تأسیس انستیتوی تحقیقاتی خاورشناسی فرهنگستان علوم گرجستان، مکتب ممتازی در مطالعات تاریخی قرنهای ۱۹ و ۲۰ خاور نزدیک در بطن تتبعات خاورشناسی گرجی پدید آمد. گشاینده این مسیر تحقیقاتی در خاورشناسی گرجی پژوهشگر متبحر تاریخ قرنهای ۱۸ تا ۲۰ خاور نزدیک، به ویژه تاریخ ترکیه معاصر، استاد آثار گی‌گی نئی‌شویلی (۱۹۹۰-۱۹۱۶ O. Gigineishvili) است. بیشتر ایرانشناسان ثابت قدمی که تحقیقات و مطالعات درخور توجهی در تاریخ ایران قرنهای ۱۸ تا ۲۰ کرده‌اند دست پرورده همین دانشمند ارجمند هستند.

یکی از نخستین دانشمندان گرجی که به مطالعه دامنه‌دار و ترجمه منابع تاریخی فارسی دست زد ولادیمیر پوتوریدزه (۱۸۹۳-۱۹۶۶) بود. او در بسیاری از آثار تاریخی و جغرافیایی مؤلفان ایرانی تحقیق و مطالعه کرده و اطلاعات مفیدی درباره گرجستان و سایر نواحی قفقاز به دست آورده و ترجمه آنها را با حواشی و تفسیر و توضیحات به چاپ رسانیده است. مخصوصاً این نکته را باید خاطر نشان ساخت که پوتوریدزه در گنجینه‌ها و کتابخانه‌های گرجستان اسناد و مدارک فارسی بسیاری کشف کرده و پس از بررسی علمی در دسترس عموم قرار داده است. این پژوهشگر جمعاً ۱۳۶ سند رسمی مربوط به دوره سلطنت پادشاهان صفوی درباره نصب اشخاص به مشاغل، عطیه‌ها و انعامها، شیوه‌های دریافت مالیات‌ها را با ترجمه و توضیحات لازم، در چهار جلد، با عنوان اسناد تاریخی فارسی در مخازن کتاب گرجستان (۱۹۶۱-۱۹۷۷) منتشر کرده است. پوتوریدزه در سال

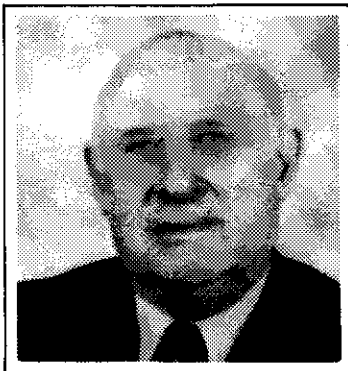




و. پوتوریدزه



ا. گی گی نئی شویلی



و. گاباشویلی

۱۹۵۵ اسنادی را که به دو زبان فارسی و گرجی تدوین شده به چاپ رسانیده است. این دانشمند ارجمند اطلاعات دربارهٔ گرجستان را از حدود العالم، تألیفات استخری، حمدالله قزوینی، حاجی مهدی قلی قاجار، محمدطاهر و دیگران نیز استخراج و ترجمه کرده است. پوتوریدزه در بایگانی موزه گرجستان نسخهٔ خطی منحصر به فرد فارسی تاریخ صفی (تاریخ ایران تا انعقاد عهدنامهٔ ترکمن چای در سال ۱۸۲۸) از میرزایوسف قره باغی را یافته و توصیف کرده است. از دیگر کارهای تحقیقاتی درخور توجه این پژوهشگر بزرگوار کتابهای زیر را می توان نام برد:

○ اطلاعات حسن روملو دربارهٔ گرجستان (متن فارسی، ترجمهٔ گرجی به اهتمام و پوتوریدزه، توضیحات و حواشی از: کیکنادزه، ۱۹۶۶)؛ اطلاعات اسکندر منشی دربارهٔ گرجستان (۱۹۶۹).

فعالیت و پوتوریدزه، در واقع برای بررسی مسائل تاریخ قرون وسطای گرجستان و روابط سیاسی و فرهنگی این کشور با دول همجوارش پایهٔ مأخذشناسی استواری بنا نهاده است. سنت حسنهٔ استاد و پوتوریدزه را دست پروردگان او با موفقیت ادامه دادند. یکی از شاگردان پرکار و با استعداد او، متخصص گرانقدر تاریخ قرون وسطی و روابط گرجستان با ایران، رواز کیکنادزه (۱۹۸۹-۱۹۲۳ R. Kiknadze) است. بصیرت و اطلاع و تسلط او بر منابع و مأخذ تاریخی گرجی و فارسی همراه با ژرف اندیشی این امکان را به او داد که در روشهای علمی مأخذشناسی گرجی تحقیقات جالبی به عمل آورد. از جمله کتابهای او در این زمینه است: مسائل مأخذشناسی تاریخ گرجستان (۱۹۸۲) و مسائل نظری مأخذشناسی (۱۹۸۸)، با همکاری گ. آلاسانیا).

ر. کیکنادزه یک سلسله تحقیقات علمی خود را به مسائل تاریخ دورهٔ مغول اختصاص داده است. او اطلاعات درخور توجهی از منابع استخراج کرده و با توضیحات و حواشی به چاپ رسانیده است، منجمله: اطلاعاتی دربارهٔ گرجستان از کتاب تاریخ جهانگشا تألیف علاءالدین عظامک جوینی (۱۹۷۴) و اطلاعاتی

دربارهٔ گرجستان و قفقاز از کتاب عجایب الدنيا (۱۹۷۸). از کارهای پژوهشگران گرجی در این زمینه کتابهای ذیل را می توان نام برد:

○ م. خوبوآ (M. Khubua)، احکام و فرامین فارسی موزهٔ گرجستان (۱۹۴۹)؛

○ آ. چه نی شویلی (A. Cheishvili)، نامه های خانهای ایروان که در نیمهٔ دوم قرن ۱۸ به گرجستان ارسال شده است (۱۹۸۲)؛

○ ک. تاباتادزه (K. Tabatadze)، ملاقات ایلچیان عثمانی با شاه طهماسب (۱۹۷۶)؛

○ بانو ن. گلاشویلی (N. Gelashvili)، اطلاعاتی دربارهٔ گرجستان از ذیل تاریخ عالم آرای عباسی اسکندر منشی (۱۹۸۱)؛ سه مأخذ فارسی دربارهٔ گرجستان قرن شانزدهم (۱۹۹۰)

(حاوی اطلاعاتی از تاریخ جهان آرای قاضی احمد غفاری، نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار محمود نظنزی و عالم آرای شاه اسماعیل)

○ ن. دوندوآ (N. Dundua)، اسناد تاریخی گرجی- فارسی قرنهای ۱۶ تا ۱۸ (۱۹۸۴)؛

○ م. تودوآ، مجموعهٔ فرامین شاهان ایران که در مخازن تفلیس بایگانی شده است (۱۹۸۹)؛

○ گ. برادزه (G. Beradze) و بانو ل. اسمیرنوا (L. Smirnova)، موادی دربارهٔ روابط ایران و گرجستان در اوایل قرن ۱۷ (۱۹۸۸)؛

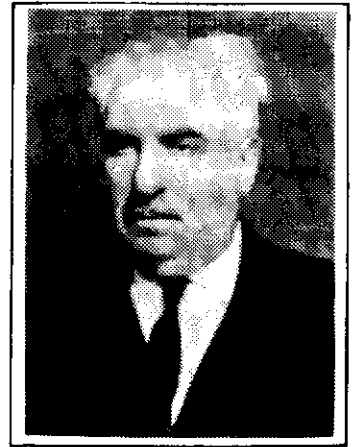
○ ج. گیوناشویلی، نسخهٔ خطی تاریخ سیستان موجود در تبیلیسی (۱۹۷۱).

برخی از پژوهشگران توجه خود را به مطالعه و تحلیل روش و ترتیب تدوین اسناد فارسی و رعایت مقررات دیپلماسی معطوف کرده اند. از جمله آثار در این زمینه است:

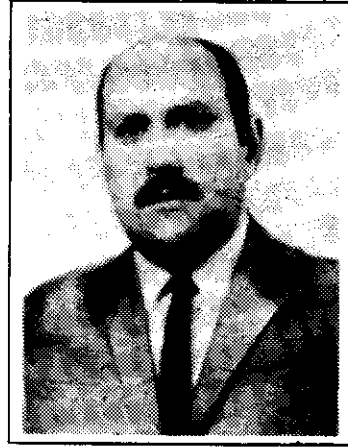
○ ت. آباشیدزه (T. Abashidze)، گوشه ای از تاریخ دیپلماسی در زبان فارسی قرنهای ۱۶ تا ۱۸ (۱۹۷۷)؛

○ ن. دوندوآ، مسائل توصیف مأخذشناسی اسناد گرجی-

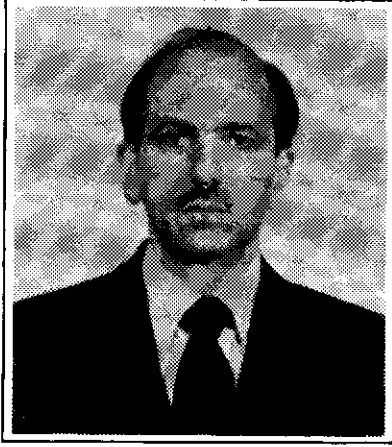
- پ. توپوریا (P. Thopuria)، شهرهای ماوراء قفقاز در قرنهای ۱۰ تا ۱۲ میلادی (۱۹۸۵):
- بانو م. گاباشویلی (M. Gabashvili)، شهرهای گرجستان در قرن ۱۲ میلادی (۱۹۸۳):
- ر. کیکنادزه، شهرها و حیات شهروندان در دولت هلاکوئیان (۱۹۵۵):
- ک. کوتسیا (K. Kutsia)، شهرها و حیات شهری دوران صفویه (۱۹۶۶): شهرهای شرق ماورای قفقاز در قرنهای ۱۶ تا ۱۸ میلادی (۱۹۷۶): تشکیلات اجتماعی و اقتصادی شهرها و مبارزات اجتماعی در ایران دوره صفویه (۱۹۹۰).
- محققان گرجی سهم شایسته‌ای در تحقیق و مطالعه تاریخ دوره سلجوقی، مغول و پس از آن دارند، از جمله نوشته‌های آنان در این زمینه است:
- ن. شنگه‌لیا (N. Shengelia)، سلجوقیان و گرجستان در قرن ۱۱ میلادی (۱۹۶۸):
- پ. توپوریا، واحدهای سیاسی شرق ماوراء قفقاز در قرنهای ۱۱ و ۱۲ میلادی (۱۹۸۰):
- گ. سانیکیدزه (G. Sanikidze)، استقرار دولت اسماعیلیه در ایران در قرنهای ۱۲ و ۱۳ میلادی (۱۹۹۰):
- ی. تسین تسادزه (Y. Tsintsadze)، مغولها و استیلگری آنها (۱۹۶۰):
- و. کیکنادزه (V. Kiknadze)، گرجستان در قرن ۱۴ میلادی (۱۹۸۹):
- د. کاتسی تادزه، گرجستان بین قرنهای ۱۴ و ۱۵ میلادی، براساس منابع فارسی (۱۹۷۵):
- تس. گوآریدزه (Ts. Ghvaberidze)، روابط گرجستان با ایلیخانیان و جلایریان (۱۹۸۶).
- از قرن شانزدهم به بعد، مسئله مقدمات علاقه روسیه به مسائل خاور نزدیک رفته رفته واقعیت یافت و گرجستان در گردونه سیاست بین‌المللی قرار گرفت و جداً مورد توجه سه قدرت نیرومند شد. موضوعات تحقیقاتی در زمینه مطالعات تحلیلی و استنتاجی درباره گرجستان قرنهای ۱۶ تا ۱۹ میلادی مستلزم تسلط بر منابع بی‌شمار گرجی، فارسی، ترکی، روسی و اروپایی و پژوهش چند وجهی تاریخ روابط سیاسی و اقتصادی کشورهای ذیربط است. محققان گرجی عنایت مخصوصی بدین مطالب داشته‌اند. اثر ذیقیمت و. گاباشویلی، سازمان فنودالیم گرجستان در قرنهای ۱۶ و ۱۷ (۱۹۵۸)، حاوی مطالب جالب روابط ایران و گرجستان است. ضمناً مختصات تشکیلات فنودالی گرجستان در آن بررسی و با نظام مالیاتی و زمین‌داری ایران مقایسه شده است. اینک برخی از انتشارات متخصصان گرجی در این زمینه از لحاظ
- فارسی قرنهای ۱۶ تا ۱۸ (۱۹۸۶):
- گ. برادزه، مهرهای گرجی قرنهای ۱۷ و ۱۸ با نوشته به دو زبان و بیشتر (۱۹۸۶).
- شناسایی تاریخ ایران در خاورشناسی گرجی حوزه گسترده‌ای دارد که از مسائل مربوط به تاریخ پیش از اسلام شروع و به مباحث گوناگون دوران معاصر ختم می‌شود. ممیزه سنت مطالعاتی مسائل تاریخ ایران توجه جدی پژوهشگران گرجی به روابط تاریخی و فرهنگی ایران با گرجستان است و در واقع تحقیقات در زمینه تاریخ ایران به عنوان بخشی از گرجستان شناسی یا عامل امدادی مهم آن تلقی می‌شود.
- تحقیقات در زمینه تاریخ پیش از اسلام براساس مطالعه تطبیقی سنگنبشته‌ها، مسکوکات عصر، ترجمه منابع کتبی و تدقیق در آنها و همچنین بررسی همه‌جانبه رسوم و عادات متداوله عصر صورت می‌گیرد. از جمله نتایج این تحقیقات است:
- گ. تسرتلی، دولت هخامنشی و تمدن جهانی (۱۹۸۶):<sup>۱۴</sup>
- د. آلان درکتیبه شاپور (۱۹۷۵):
- بانو ت. آبرامی شویلی (T. Abramishvili)، فهرست مسکوکات اشکانی موزه دولتی گرجستان (۱۹۷۴):
- گ. آمیراناشویلی (G. Amiranashvili)، سنگنبشته‌های ساسانی به مثابه مأخذ تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران (۱۹۷۶):
- بانو ک. رامی شویلی (K. Ramishvili)، نگین‌های ساسانی در گرجستان (۱۹۷۹):
- بانو م. تسوتسلیا (M. Tsotselia)، گرجستان شرقی (کارتیل) در قرنهای ۳ تا ۷ میلادی و روابط آن با دولت ساسانی (۱۹۷۵): فهرست مسکوکات ساسانی گرجستان (۱۹۸۱):
- بانو ای. جالاگانیا (I. Jalaghania)، گنج‌های مسکوکات بیزانسی و ساسانی در گرجستان (۱۹۸۰):
- ت. چخه‌نیدزه، کارنامه اردشیر پاپکان (متن پهلوی، ترجمه گرجی، تحقیقات و فرهنگ) (۱۹۷۵): آداب و رسوم تربیت و پرورش در ایران ساسانی (۱۹۷۹).
- مبحثی که همواره مورد توجه خاص پژوهشگران گرجی بوده و هست بررسی تطبیقی ساختار جامعه و تشکیلات شهری ماورای قفقاز و خاور نزدیک در قرون وسطی است. اینک فقط به ذکر تحقیقاتی اکتفا می‌شود که رابطه مستقیم با مسائل تاریخ شهرهای ایران یا منابع مهم فارسی دارد:
- گ. برادزه، نهاد رئیس شهر در ایران قرنهای ۱۰ تا ۱۱ میلادی (۱۹۷۰):
- گ. ژرژولیانی (G. Zhorzholiani)، شهرهای ایران در قرن ۱۱ میلادی (۱۹۸۳):



ش. آمیراناشویلی



ن. ناچقه‌بیا



ر. کیکنادزه

- خوانندگان می‌گذرد:  
 ○ ک. تاباتادزه، تذکره شاه‌طهماسب اول بمثنابه مأخذ تاریخی ملل ماوراء قفقاز (۱۹۵۵):  
 ○ ب. جاواخیا (B. Javakhia)، تاریخ روابط ایران و گرجستان از قرن ۱۶ تا دهه سوم قرن ۱۷ (۱۹۸۶):  
 ○ و. چوچیف (V. Chochiev)، روابط بین‌المللی خاور نزدیک در قرنهای ۱۶ تا ۱۸ با توجه به معاهدات ایران و دولت عثمانی، (۱۹۷۱):  
 ○ ن. سورگولادزه (N. Surguladze)، حکومت مرکزی ایران صفویه (۱۹۹۰):  
 ○ ن. گلاشویلی، روابط ایران و گرجستان در قرن ۱۶ (۱۹۹۱):  
 ○ ت. تیوادزه (T. Tivadze)، گرجستان و روابط روسیه با ایران در نیمه دوم قرن ۱۷ (۱۹۷۷):  
 ○ بانو. ت. کوتلیا (Th. Kutelia)، گرجستان و ایران صفوی: براساس داده‌های سکه‌شناسی (۱۹۷۹): فهرست سکه‌های مسی ایران موزه تاریخ گرجستان (۱۹۹۰):  
 ○ بانو. ل. شینگلیا (L. Shengelia)، مبارزات ملوک الطوائفی در ایران پس از درگذشت نادرشاه (۱۹۷۰): ایران در دوره حکمرانی کریم‌خان زند (۱۹۷۳): ماورای قفقاز و روابط ایران با روسیه در نیمه اول قرن ۱۹ (۱۹۷۹):  
 ○ ز. شاراشنیدزه (Z. Sharashenidze)، ایران در نیمه دوم قرن ۱۸ (۱۹۷۰): وضع داخلی و روابط خارجی ایران در اوائل قرن ۱۹ (۱۹۸۴).  
 ○ بانو. ن. آخالادزه (N. Akhaladze)، روابط ایران با فرانسه در اوائل قرن ۱۸ و گرجستان (۱۹۹۰):  
 ○ ی. تسین تسادزه، حمله آغامحمدخان به گرجستان (۱۹۶۹):
- ن. کورتوآ (N. Kortua)، ماورای قفقاز طی جنگ ۱۸۲۸-۱۸۲۶ ایران با روسیه (۱۹۷۸):  
 ○ ت. ناتروشویلی (Th. Natroshvili) در کتابهای خود، از مشرق تا مغرب (۱۹۷۸) و یک سال و هزار سال (۱۹۸۸) که در تیراژهای بالا منتشر شده است، بسیاری از مسائل مذکور را با خامه بدیع نگار رشک‌انگیز خویش همراه با باریک‌بینی و ژرف‌اندیشی علمی مطرح کرده و در دسترس دستداران تاریخ گذارده است.  
 ایران‌شناسان گرجی همچنان دامن تحقیق در تاریخ قرنهای ۱۹ و ۲۰ ایران را از دست ننهاده‌اند. از جمله آثاری که در این زمینه منتشر شده است:  
 ○ بانو ای. ناچقه‌بیا (I. Nachqebia)، کتاب سیاحت در ارمنستان و ایران ۱۸۰۵ و ۱۸۰۶، اثر ژوبر بمثنابه مأخذ تاریخ خاور نزدیک در اوایل قرن ۱۹ (۱۹۹۰):  
 ○ ن. تر آگائف (N. Ter-Oganov)، مستشاران خارجی و ارتش منظم ایران در قرن ۱۹ (۱۹۸۴):  
 ○ گ. کاتسی تادزه (G. Katsitadze)، موضع ایران در صحنه بین‌المللی پس از جنگ اول جهانی (۱۹۹۰): مهاجرین ایرانی در جمهوری وایمار آلمان و بعضی از مسائل توسعه روابط بین ایران و آلمان (۱۹۹۲):  
 ○ گ. چپیا شویلی، تطوّر نهضت شرکتهای تعاونی روستائیان در ایران (۱۹۶۸): سازمان کشور ایران (۱۹۹۰):  
 ○ ا. کیکنادزه (O. Kiknadze)، فعالیت مراکز فرهنگی و علمی غرب در ایران در سالهای ۱۹۷۵-۱۹۶۰: تجاوز ایدئولوژیکی کشورهای رشد یافته غرب در ایران در سالهای ۷۰-۶۰ قرن ۲۰ (۱۹۸۳):  
 حاشیه:  
 (۱۴) آینده، سال دوازدهم، شماره ۷-۸، ۱۳۶۵، ص ۳۷۰-۳۶۷.

بررسی جغرافیایی درباره ایران است که به زبان گرجی منتشر شده است. از تألیفات شاگردان این دانشمند ارجمند تحقیقات ذیل را می توان نام برد:

○ ا. روندلی (A. Rondeli)، مسائل عمده ترکیب و تطور شهرهای ایران (۱۹۷۴):

○ بانوف. زوریکاشویلی (F. Zurikashvili)، اصفهان و حومه آن (۱۹۷۹).

هنر

در موزه تاریخ گرجستان و موزه هنرهای زیبا و دیگر موزه های جمهوری، بسیاری از لوازم زندگی و نمونه های اندوخته های مادی، مانند ظروف، اسلحه، پرده های نقاشی، کاشیها، قالیها، جامه ها، شمعدانها و کسکولها، حفظ شده که معرف ذوق و استعداد عالی هنرمندان و صنعتگران ایران دوره های گوناگون است. آغازگر تحقیقات علمی در زمینه هنر ایرانی، متخصص مشهور هنر گرجی و فرهنگ ایرانی دوره ساسانی، آکادمیسین شالوا آمیراناشویلی (۱۸۹۹-۱۹۷۵) Sh. Amiranashvili است. وی گامهای بلندی در راه مطالعه هنر نقاشی ایرانی مخصوصاً دوره قاجار برداشته است. نتیجه تبعات او در این رشته کتابی است با عنوان نقاشی داری (دستگاهی) ایرانی (۱۹۴۱).

از تألیفات دیگر متخصصان گرجی در این زمینه کتابهای زیر را می توان نام برد:

○ گ. کویر کولیا (G. Kvirkvelia)، ظروف مسی و برنجی ایران قرن ۱۹ در موزه گرجستان (۱۹۶۸):

○ ا. گویلاوا، اصفهان، شیراز، کاشان، توصیف هنری (۱۹۸۰):

○ بانو م. تسین تسادزه (M. Tsintsadze)، تولید قماش در شهرهای ایران در قرون ۱۲-۱۰ میلادی (۱۹۹۰).



با توجه به نکات بالا می توان استنباط کرد که وجه تمایز جدی ایران شناسی گرجی تنوع مطالب، پی جویی خالص پژوهشگرانه و ملی بودن آن است. رهیافت و نگرش چند وجهی دانشمندان گرجی در امر خطیر و شرافتمندانه تحقیق تاریخ و تمدن کهنسال ایرانیان و روابط تنگاتنگ تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان موضع علمی معتبری در مقیاس جهانی برای آنها فراهم کرده است. بنابه ارزیابی ایران شناس مشهور، آکادمیسین فقید ژان ریپکا، «ایران شناسی گرجی واقعاً عالی است».<sup>۱۵</sup>

حاشیه:

15) J. Rypka: «Die georgische Iranistik ist ja ausgezeichnet», Orientalistische Literaturzeitung, Berlin-Leipzig, 1965, N. 1-2, S 70.

○ بانو ا. بابالاشویلی (E. Babalashvili)، مسائل مبرم جمعیت شناسی ایران (۱۹۸۷):

○ پ. سورگولادزه (P. Surguladze)، دولت اسلامی معاصر و مبنای نظری آن (۱۹۸۴).

برخی از پژوهشگران گرجی توجه و تمایل خود را به مطالعه و بررسی شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عشایر و اقلیتهای ملی ایران، مشخصات خانوادگی، خویشاوندی، و رسوم و آداب آنها و پر خورد و سیاست دولت مرکزی نسبت به آنها معطوف کرده اند. از جمله کتابهایی که در این زمینه منتشر شده است:

○ ا. گویلاوا (O. Gvilava)، ترکمنهای ایران (۱۹۶۸): سیاست مرکزگرایی دولت ایران و مسئله کوچ نشینان ایران در دهه دوم قرن ۲۰ (۱۹۸۱):

○ آ. مینت شاشویلی، اکراد و کردستان (۱۹۷۷): مسائل تاریخ اکراد خاور نزدیک در قرنهای ۱۰ تا ۱۹ میلادی (۱۹۷۸): اکراد (۱۹۸۴):

○ آ. چه لیدزه (A. Chelidze)، گرجی های فریدنی (۱۹۵۱):  
○ گ. چپاشویلی، گرجی های فریدنی (۱۹۶۳): سکنه گرجی ایران (۱۹۹۰):

○ ز. شاراشنیدزه، گرجی های فریدنی (۱۹۷۹):

○ بانو گ. گوتسی ریدزه (G. Gotsiridze)، ازدواج در خانواده های گرجی فریدنی (۱۹۸۷):

همچنین چند کتاب به بررسی فعالیت و شرکت انقلابیون گرجی در نهضت مشروطیت ایران تخصیص داده شده است:

○ آ. که لنجری دزه (A. Kelenjeridze)، گرجیان در انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۵ ایران (۱۹۷۵):

○ گ. چپاشویلی، قیام ۱۹۰۸-۱۹۰۹ تبریز و مطبوعات گرجی (۱۹۷۹): سیرگومادلی شویلی (سرگورگجی) و خاطرات ایرانی او (۱۹۸۳).

جغرافیا

چنانکه یاد شد، زبان فارسی و دیگر مواد درسی ایران شناسی در دانشکده جغرافیای دانشگاه تفلیس تدریس می شود. ابتکار تعمیم خاور شناسی، منجمله ایران شناسی (از سال ۱۹۶۶)، در این دانشکده مرهون فعالیت ثمر بخش یکی از برجسته ترین چهره های این حوزه از مطالعات، جغرافیدان متبحر، نودار ناچقه بیا (۱۹۲۸-۱۹۷۷) N. Nuchqebia است. در نتیجه تحقیقات پی گیر و کوششهای تشکیلاتی این استاد و همکارانش، جغرافیای ایران به صورت رشته کامل عیار دانشگاهی درآمد. مهمترین اثر ن. ناچقه بیا کتابی است با عنوان ایران، توصیف اقتصادی و جغرافیایی (۱۹۷۲). این کتاب بی تردید جامعترین